

## تغییر رویکردهای پارادایلماسی در دوران پسا کرونا با تأکید بر صنعت غذای حلال

محدثه جزایی<sup>۱\*</sup>، الهام صباغ کلاته حسینی<sup>۲،۳</sup>

۱- دکترای تخصصی علوم سیاسی (اندیشه سیاسی)، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

۲- دانشجوی دکتری تخصصی روابط بین الملل (گرایش دیپلماسی سلامت) دانشگاه آزاد اصفهان، اصفهان، ایران

۳- لیسانس مامایی، کارشناس سلامت مادران باردار پرخطر، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

پذیرش مقاله: ۲۱ مرداد ۹۹

دریافت مقاله: ۱۱ تیر ۹۹

### چکیده

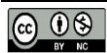
همه گیری ویروس کووید-۱۹، آن چنان اثرات عمیقی بر صحنه سیاست و عرصه روابط بین المللی داشته است که سخن از تقسیم تاریخ به دو دوره پیشا/پسا کرونا به میان آمده است. از آن جا که با شیوع ویروس کرونا، پاکیزگی و کیفیت غذا اهمیت دوچندان یافته، توجه جدی به صنعت غذای حلال منطقی و قابل قبول است. با این که هر روز تبعات و پیامدهای این ویروس، بر جنبه های مختلف زندگی اجتماعی انسان ها آشکار می شود و دستگاه ها و نهادهای گوناگون می کوشند راهی برای کاهش آلام و رنج های ناشی از ویروس کرونا بیابند، تأکید بر غذای حلال، می تواند به عنوان یک راهکار پیشگیرانه مطرح شود. با توجه به اهمیت هویت های خرد در جریان افزایش روند جهانی شدن، می توان از مفهوم پارادایلماسی که برای اشاره به این موجودیت های سیاسی فراملی ابداع شده، بهره گرفت. بر همین اساس، این پژوهش بر پایه پرسش از چگونگی تحول رویکردهای پارادایلماسی در نتیجه گسترش کروناویروس ساخت یافته است و می کوشد بر جایگاه صنعت غذای حلال به عنوان راه حلی برای پیشگیری و هم چنین فرصت مناسی برای تبلیغ و اشاعه فرهنگ غذای حلال، تأکید کند. رویکرد نظری این نوشتار سازه انگاری است که مطابق با آن، نه تنها ساختار و کارگزار بلکه گروه های کوچک و حاشیه ای نیز می توانند بر مناسبات موجود در عرصه بین المللی اثرگذار باشند. در این رهیافت، دولت ها به مثابه موجودات اجتماعی هستند که رفتارشان از قواعد، هنجارها، نهادها و هویت ها مشتق شده است. پرسش از تحول رویکردهای پارادایلماسی در دوران پسا کرونا و جایگاه صنعت غذای حلال بر اساس رویکرد سازه انگارانه، از نقاط تمرکز این نوشتار است.

کلمات کلیدی: کووید-۱۹، پارادایلماسی، سازه انگاری، صنعت غذای حلال، پسا کرونا.

\*نویسنده مسئول: محدثه جزایی، آدرس ایمیل: [mo\\_ja663@mail.um.ac.ir](mailto:mo_ja663@mail.um.ac.ir)، شماره تماس: ۰۹۱۵۰۰۱۳۰۳۵

[view Journal](#)

<https://doi.org/10.30502/H.2020.237580.1024>



This paper is open access under [Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license](#)

## ۱- مقدمه

تحلیل قابل انطباقی با وضعیت موجود، به ارائه نظریات خود پردازند. نتیجه این تکاپو، ارائه مطالب متنوع و گسترده‌ای درباره این موضوع است که می‌تواند از جنبه‌های گوناگون مورد توجه قرار گیرد. در عرصه بین‌المللی با توجه به انواع دیپلماسی هم‌چون دیپلماسی بهداشتی، دیپلماسی پزشکی و پارادایم‌سازی، توجه به هویت‌های محلی و نهادهای فراملی بیشتر شد، اما این مسأله سبب نادیده‌انگاری نقش دولت‌ها نیست. هنوز هم اعلام آمار مربوط به این بیماری در اختیار دولت‌هاست و تلاش برای ساخت واکسن نیز با حمایت‌های مالی دولت‌ها انجام می‌شود. با این‌همه، به نظر می‌رسد به دلیل شکافی که کروناویروس برای نقش‌آفرینی هویت‌های خرد و کوچک فراهم کرده است، می‌توان از نوعی چرخش دیپلماسی سخن گفت. در این تغییر رویکردهای دیپلماتیک چنان‌که استفان والت، یکی از بزرگترین نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل می‌گوید، فرصتی فراهم شده است که گروه‌های کوچک فرصت نقش‌آفرینی بیابند [۱].

براساس چنین نگرشی، این نوشتار با بهره‌گیری از روش سازه‌انگاری که توجه به هویت گروه‌های کوچک را مورد توجه قرار داده است، می‌کوشد تا توجه به صنعت غذای حلال را با استفاده از رویکردهای پارادایماتیک توضیح دهد. به‌وسیله گسترش رویکردهای پارادایماتیک، هویت‌های غیرسیاسی مهم و برجسته می‌شوند. درحقیقت کرونا فرصتی فراهم کرده است که می‌توان به گسترش ارزش‌های مرتبط با غذای حلال و اهمیت و تأثیر آن در زندگی انسان‌ها پرداخت. نگارندگان این نوشتار با استفاده از رویکردهای پارادایماتیک با روش سازه‌انگاری چنین مسأله‌ای را مورد مطالعه و بررسی قرار داده‌اند.

تغذیه یکی از مهم‌ترین ضروریات زیستی انسان‌ها است. ادیان، مذاهب، فرهنگ‌ها و سنت‌های اجتماعی هرکدام باورها، ارزش‌ها و هنجارهای خود را در رابطه با غذا دارند. با این‌همه با گسترش هرچه‌بیشتر ابزارهای ارتباطات جمعی، آگاهی از شیوه زیست اجتماعی از جمله فرهنگ غذایی سایر ملل و در نتیجه تبلیغ و ترویج ارزش‌های غذایی خاص، ساده‌تر شده است. با این‌همه، با ابتلای انسان‌ها به ویروس کرونا از راه غذا، آن‌چنان‌که دانشمندان این حوزه اعلام داشته‌اند، غذا و ارزش‌های محلی مرتبط با آن بسیار مهم‌تر از قبل پنداشته می‌شود. اگرچه هنوز درباره نقطه آغاز ویروس کرونا از راه غذا تردیدهای جدی وجود دارد و از نظر علمی اثبات نشده، با این‌همه گسترش و انتشار ویروس از راه‌های گوناگون، توجه به پاکیزگی همه‌چیز از جمله غذا را پدید آورده است. در چنین وضعیتی است که فرهنگ غذای حلال، می‌تواند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارزش‌های مذهبی و اجتماعی مسلمانان، فضایی برای بروز و ظهور بیابد.

هنگامی که در یازدهم مارس ۲۰۲۰، سازمان بهداشت جهانی، کووید-۱۹ را به عنوان یک ویروس همه‌گیر جهانی اعلام کرد، جهان را در آستانه تحولی بزرگ قرار داد. متأثر از این تحول، نه‌تنها سطوح کلان و ساختارهای اساسی ملی و بین‌المللی، بلکه حتی شیوه زندگی روزمره شهروندان نیز تغییر یافت. از منظر روابط بین‌المللی، جلسات و نشست‌های دیپلماتیک کنسل شد، دولت‌های پیشرفته و دموکراتیک برای حفاظت از جان شهروندانشان به ضبط‌کردن محموله‌های پزشکی و بهداشتی مبادرت ورزیدند، مرزهای ملی بسته شد و از شهروندان خواسته شد تا در خانه‌هایشان محبوس شوند.

در چنین وضعیتی هم‌زمان با سرعت گسترش ویروس کرونا و تبدیل یک وضعیت اپیدمی<sup>۱</sup> به پاندمیک<sup>۱</sup>، اندیشمندان به صرافت افتادند برای توصیف اکنون و ارائه

## ۲- گفتاری درباره سازه‌انگاری و روش پژوهش

سازه‌انگاری رویکردی است که از اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ به یکی از تئوری‌های اصلی و راه‌گشا در روابط بین‌الملل تبدیل شده است. مهم‌ترین نکته در این رویکرد این است که میان واقعیت طبیعی و نهادهای بشری تمایز قائل شده و بر ساخت اجتماعی واقعیت تأکید می‌کند؛ به این معنا که همه کنش‌های انسانی در فضایی اجتماعی شکل می‌گیرد و معنا پیدا می‌کند. از نظر رویکرد سازه‌انگاران، این معناسازی است که به واقعیات جهانی شکل می‌دهد. در تئوری سازه‌انگاری، هویت‌ها، هنجارها و فرهنگ، نقش مهمی در سیاست‌های جهانی ایفا می‌کنند [۲].

نظریه‌های سازه‌انگاری بر مفهوم هویت تأکید ویژه‌ای دارند. از آنجا که منافع از روابط اجتماعی حاصل می‌شود، هویت یک امر رابطه‌ای است که به معنای درک از خود و انتظارات از دیگران است. عمل نسبت به دیگران بر اساس معنایی است که نسبت به آن کارگزار وجود دارد. همچنین اولویت‌های بین‌الملل کارگزاران بر اثر جامعه‌پذیری درون جامعه بین‌الملل حاصل می‌شود. رویس اسمیت سازه‌انگاری را به دو دسته فراملی و داخلی (اجتماعی) تقسیم می‌کند که در سطح بین‌الملل بر نقش هنجارهای بین‌المللی و در سطح داخلی بر هنجارهای درون جامعه اشاره دارد. این رهیافت اعتقاد دارد که سیاست بین‌الملل در قالب جامعه بین‌الملل شکل می‌گیرد. این جامعه بر پایه هنجارها و قواعد ویژه‌ای قرار دارد و این هنجارها و قواعدند که بر اساس آن، منافع را شکل می‌دهند. این رویکرد صرفاً بر شرایط و نیروهای مادی تکیه نکرده، بلکه اولویت اصلی را به انگاره‌ها و اندیشه‌ها می‌دهد و تمرکز اصلی را بر روی اعتقادات بین‌الذنهانی که در سطح گسترده میان مردمان جهان مشترکند، قرار می‌دهد. منافع و هویت‌های انسان‌ها از طریق همان اعتقادات مشترک شکل گرفته و تبیین

می‌شوند. بر همین اساس در چارچوب تحلیل سازه‌انگاری، نمی‌توان سیاست بین‌الملل را در حد یک سلسله تعاملات و رفتارهای عقلایی و در چارچوب‌های صرف مادی و نهادی در سطوح ملی و بین‌الملل تقلیل داد؛ زیرا تعاملات دولت‌ها بر اساس یک سلسله منافع ملی تثبیت شده، شکل نگرفته است. بلکه در طول زمان به صورت نوعی الگوی رفتاری از طریق هویت‌ها شکل می‌یابد و یا باعث تشکیل هویت می‌شود.

به طور خلاصه می‌توان گفت سازه‌انگاری به عنوان یکی از مهم‌ترین نظریه‌های راهبردی در روابط بین‌الملل در دهه گذشته، بیش از آنکه به عنوان یک نظریه محتوایی در مورد روابط و نظام بین‌الملل مطرح باشد، نوعی فرآیند است که تمرکز آن بر بحث‌های هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی است. در مورد سرشت کنش‌گران و به تبع آن، کنش آن‌ها نیز در میان نظریه‌پردازان اختلاف نظر وجود دارد. از یک منظر سنتی و متعارف در علوم اجتماعی، این ساختارهای مادی هستند که به کنش‌ها و کنش‌گران شکل می‌دهند و این هویت‌ها کم و بیش ثابت و یکسان تلقی می‌شوند. در مقابل، از دید پساساختارگرایان (سازه‌انگاران رادیکال) سوژه‌ها بر ساخت‌هایی هستند که رویه‌های گفتمانی به آن‌ها شکل می‌دهند؛ بنابراین، این رویه‌های گفتمانی هستند که واحدهای بنیادین واقعیت و تحلیل، یعنی واحدهای پایه هستی‌شناختی را شکل می‌دهند. کنش‌گران سرشتی کاملاً اجتماعی دارند؛ به این معنا که این معاملات، رویه‌ها، هنجارها، ارزش‌ها، فرهنگ، ایدئولوژی، باورهای اصولی و ایده‌های نهادینه هستند که به هویت آنها قوام می‌بخشند. جامعه قلمروی تکوینی قلمداد می‌شود که کنش‌گران را به‌عنوان کارگزاران دانا به آن چه هستند، تبدیل می‌کند. منافع کنش‌گران نیز حاصل هویت آن‌ها است و از طریق فرآیند ارتباطات، تأمل در تجارب و اجرای نقش‌ها آموخته می‌شود [۳].

سازهانگاری از منظر معرفت‌شناسی، حد واسط پوزیتیویسم و پساپوزیتیویسم ارزیابی می‌شود. به این معنا که این رویکرد تحت تأثیر گرایش‌های هرمنوتیکی معتقد است واقعیات اجتماعی و رفتار انسان‌ها را می‌توان با عنایت به قالب ذهنی تعبیر کرد. مدلول این رویکرد، نشان دادن تأثیر ساخت نرم‌افزاری نظام ذهنی، باورها و هنجارها بر رفتار سیاسی است. مهم‌ترین اصل هستی‌شناسی سازهانگاری در هم‌پوشی با این مبانی، ناظر بر این است که ساختار فکری و معرفتی، به اندازه ساختار مادی اهمیت دارد [۴]. آنچه از مجموعه مباحث مورد توجه سازهانگاری در سطح فرانظری می‌توان دریافت این است که این رهیافت در سطح هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی، در موضعی میان جریان اصلی علم‌گرایانه-اثبات‌گرایانه و جریان مخالف رادیکال ضد شالوده‌انگاران و ضد معرفت‌شناختی قرار می‌گیرد. البته در این زمینه، میان سازهانگاران، اتفاق نظر مطلق وجود ندارد و برخی از آن‌ها به جریان اصلی و برخی به جریان مخالف نزدیک‌تر هستند. الکساندر ونت و تد هوف را شاید بتوان بیش از دیگران به جریان اصلی نزدیک دانست و در نتیجه آن‌ها را بیش از دیگران در معرض انتقادات وارده بر جریان اصلی دید. حتی می‌توان گفت که برخی از تلاش‌های ونت به آشتی دادن و به نوعی بازی با واژه‌ها (مانند بحث دلیل و علت یا تبیین و تفهیم) می‌انجامد و نه به موضعی واقعاً بینابینی [۵].

اما در هر صورت آنچه از نظر بحث ما اهمیت جدی دارد، این است که موضع بینابینی در همه سازهانگاران در سطح فرانظری دیده می‌شود. تد هوف با جمع‌بندی آرای سازهانگاران متعارف، بر آن است که آن‌ها را می‌توان شالوده‌انگارانی حداقلی دانست. آن‌ها عرف اثبات‌گرایانه در مورد خصوصیات نمونه، روش‌های متفاوت دنبال کردن فرآیندها و کنترل مواردی را که می‌توانند حاکی از وجود رابطه ظاهری جعلی و نه واقعی میان پدیده‌ها باشند، می‌پذیرند [۶].

برهمن اساس، می‌توان ادعا نمود، نظریه سازهانگاری می‌تواند برای بررسی اثرگذاری اندیشه‌ها به عنوان امری انتزاعی بر واقعیتهای بیرونی، بسیار مناسب باشد. بر اساس این نظریه، هویتی که در میان یک اجتماع محلی بر ساخته می‌شود، ناشی از هویت‌هایی است که در تعامل میان گروه‌های اجتماعی داخلی و براساس ارزش‌های داخلی شکل می‌گیرند و بر اساس آن، فهم آن‌ها از دیگری بیرونی قوام می‌یابد؛ دیگری، هویتی است که در تعامل با سایر دولت‌ها ساخته می‌شود [۷]. از این منظر رویکرد سازهانگاری می‌تواند به سیاست‌ خارجی کشورها نیز اهتمامی ویژه داشته باشد. در رویکرد سازهانگاران به سیاست خارجی، الگوهای کلانی که در گستره وسیع زمانی و مکانی عمل می‌کنند، مورد توجه قرار می‌گیرند؛ یعنی بحث به سطح زمینه یا بافتی برمی‌گردد که افراد تصمیم‌گیرنده در آن قرار می‌گیرند. این بافتار و زمینه، متأثر از عوامل گوناگونی است که در این نوشتار به مهم‌ترین تحول رخ داده در همه سطوح فردی، گروهی، اجتماعی و بین‌المللی یعنی گسترش ویروس کرونا پرداخته شده است. اغراق نیست اگر بگوییم گسترش این ویروس توانسته است تمام مناسبت‌های فردی و جمع انسان‌ها را در اقصی نقاط جهان متأثر از خود سازد. در این میان، الگوهای روابط میان دولت‌های ملی که حتی پیش از شیوع ویروس کرونا، در معرض انواع امواج جهانی شدن قرار گرفته بود، با سرعت بیشتری دگرگون شده است. نگارندگان در این پژوهش با توجه به آنچه که درباره سازهانگاری گفته شد، می‌کوشند تا نشان دهند چگونه کرونا ویروس به ایجاد کارگزاری‌های غیرسیاسی جدیدی انجامیده که بر قوت جبهه پارادایم‌سازی در برابر دیپلماسی به معنای سنتی آن افزوده است. در چنین وضعیتی است که هویت‌بخشی از طریق برندهایی هم‌چون صنعت غذای حلال می‌تواند توجیه منطقی و ضرورتی ویژه یابد. در جدول زیر می‌توان خلاصه‌ای از چارچوب نظری

به کار گرفته شده در این پژوهش را مشاهده نمود: (جدول شماره ۱)

اهمیت	اثرگذاری	دال مرکزی	
اهمیت هویت در معنابخشی به واقعیت	تأثیر افکار بر هویت	اهمیت کارگزاران	سازهانگاری
اهمیت هویت های فراملی در خلق واقعیت های جدید	تأثیر کارگزاری های خرد بر هویت های جدید	تأکید بر کارگزار فراملی	پارادایلماسی
اهمیت یافتن صنایع غیر سیاسی؛ به ویژه صنعت غذای حلال	تأثیر کارگزاران غیر سیاسی بر ایجاد هویت های جدید	تشدید روند جهانی شدن و ایجاد کارگزاری های جدید غیر سیاسی	وضعیت پسا کرونا

جدول شماره ۱- خلاصه ای از چارچوب نظری

منطقه ای با رویکردهای غیرسیاسی فراهم می آورند. در ادامه با توجه به چیستی رویکردهای پارادایلماتیک به این مسأله به صورت مبسوط پرداخته خواهد شد.

### ۳- پارادایلماسی و تحولات جدید متأثر از شیوع کرونا

از گذشته های دور هر جا که صحبت از جنگ و صلح بوده، دیپلماسی وجود داشته است. اما امروزه با توجه به پیچیدگی پدیده های سیاسی، دیگر سخن گفتن از دیپلماسی سنتی به عنوان ابزاری برای پیشبرد منافع ملی که در انحصار دولت هاست، محل توجه نیست. امروزه اندیشمندان روابط بین الملل، انواع گوناگونی از دیپلماسی که می تواند جنبه های گوناگون حیات سیاسی دولت ها و شهروندان را از خود متأثر سازد، شناسایی و پیرامون آن نظریه پردازی کرده اند. از میان انواع گوناگون دیپلماسی می توان به دیپلماسی سایبری [۸]، دیپلماسی رسانه ای [۹]، دیپلماسی اقتصادی و تجاری [۱۰]، دیپلماسی فرهنگی [۱۱]، دیپلماسی شهری [۱۲] و پارادایلماسی اشاره کرد.

چنان که در جدول بالا مشاهده می شود، از مهم ترین مشخصه ها و مختصات سازهانگاری می توان به اهمیت کارگزاران انسانی در برابر ساختارهای سیاسی و اجتماعی، تأثیر افکار و اندیشه های انتزاعی بر هویت بخشی به کارگزاران و همچنین تأثیر هویت در معنابخشی به واقعیت های سیاسی و اجتماعی اشاره نمود. در بهره گیری از رویکرد پارادایلماتیک، به جای تکیه و تأکید فراوان بر کارگزاران رسمی، می توان از هویت های فراملی یاد کرد که در سطوح محلی و منطقه ای مشغول به فعالیت هستند. این کارگزاران محلی و کوچک، می توانند به برجستگی هویت های درحاشیه مانده و نادیده گرفته شده منجر شود که به نوعی تکثرگرایی و پلورالیسم سیاسی می انجامد. در نتیجه این چندصدایی، واقعیت هایی خلق شده و گسترش می یابد که متعاقب آن، دیگر دارندگان قدرت سیاسی به تنهایی یگانه تازان عرصه بین المللی به حساب نمی آیند. حال با توجه به وضعیت ایجاد شده و تقسیم دوران جدید به پیشا /پسا کرونا، می توان از ظهور بازیگران جدیدی سخن گفت که نه تنها به تکثرگرایی از قبل موجود دامن می زنند، بلکه با به پرسش گرفتن کارتل ها و نهادهای انحصاری قدرت، زمینه را برای حضور کارگزاران محلی و

پارادایلماسی یک پدیده و مفهوم نسبتاً جدید در رشته روابط بین‌الملل است و به این موضوع اشاره می‌کند که چه چیزی می‌تواند ظرفیت‌ها و توانایی‌های واحد فروملی و مشارکت و استقلال این واحدها را در عرصه بین‌المللی، در پیگیری منافع خاص بین‌المللی توصیف کند [۱۳]. پارادایلماسی به طور خلاصه بیانگر روند رشد بین‌المللی شدن امور داخلی و قراردادن نگرانی‌های محلی و منطقه‌ای در مرکزیت امور بین‌الملل است؛ امری که تا پیش از این سابقه نداشته است. درحقیقت از منظر پارادایلماسی، هویت‌های خرد و فروملی مستقل از حکومت‌های مرکزی می‌توانند در عرصه بین‌المللی به نقش‌آفرینی بپردازند. این به معنای نادیده گرفتن دولت‌ها در عرصه بین‌المللی نیست؛ بلکه به‌نوعی می‌توان آن را یک فرصت ویژه و ظرفیت نوینی دانست که می‌تواند با پیگیری منافع محلی و گروهی، در نهایت به پیشبرد منافع ملی در سطح کلان منجر شود. پارادایلماسی در بیانی دیگر، می‌تواند به فرآیند تبادلات بین‌المللی از طریق ابزارهای رسمی و غیررسمی منطقه‌ای، شهری، سازمان‌های غیرحکومتی، انجمن‌های تجاری یا دیگر سازمان‌های غیرمستقیم تحت کنترل یا نظارت نماینده یک حکومت ملی که به طور رسمی به مسائل و موضوعات روابط خارجی می‌پردازد، اطلاق شود. درحقیقت جهانی‌شدن در ابعاد سیاسی موجب بروز تغییراتی از قبیل افزایش ارتباطات فرامرزی میان بازیگران غیردولتی، افزایش قوانین و مقررات فراکشوری، افزایش مشارکت بخش خصوصی در تدوین مقررات جهانی و گسترش جامعه مدنی جهانی شده است [۱۴]. بر همین اساس دولت‌ها در این شرایط نمی‌توانند به‌تنهایی از عهده وظایف خود برآیند و این مهم موجب وابستگی متقابل دولت‌ها به یکدیگر و به میان آمدن شبکه‌ای عظیم از بازیگران جدید در عرصه سیاست جهانی شده است [۱۵]. که ایجاد رویکردهای پارادایلماتیک را توجیه‌پذیر می‌کند.

در دنیایی که به‌طور روزافزون در معرض جهانی‌شدن قرار دارد، به‌علت به‌وجود آمدن منافع متعدد و چندگانه، کارگزاران پارادایلماتیک می‌توانند در بسیاری موارد زمینه را برای حضور مؤثرتر، ابزارهای رسمی دیپلماسی فراهم کنند؛ به عنوان مثال، اگر کادر درمانی و تجهیزات پزشکی قبل از کارگزاران رسمی سیاست خارجی، زمینه را برای پذیرش سیاست‌ها و هنجارهای دولت متبوعشان در سرزمین دیگر فراهم کنند، دولت با دشواری کمتری در اجرای سیاست خارجی خود روبرو خواهد شد. کارگزاران پارادایلماتیک می‌توانند وارد مناطق یا مکان‌هایی شوند که سازمان‌های دولتی توانایی ورود به آن را ندارند. در ادامه با تأکید بر تشدید جهانی‌شدن در نتیجه گسترش ویروس کرونا، چگونگی موفقیت رویکردهای پارادایلماتیک، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. براساس آنچه گفته شده، می‌توان به سه مؤلفه رهیافت سازه‌انگاری که قابل انطباق با رویکرد پارادایلماسی است، اشاره نمود. این سه مؤلفه، هرکدام در دوران پسا کرونا دچار تغییراتی شده‌اند که می‌توان از تغییر و چرخش در رویکردهای دیپلماتیک سخن گفت.

### ۱-۳ کرونا و ایجاد کارگزاری‌های جدید غیرسیاسی

کووید-۱۹ یک «فاجعه بدون سابقه» است؛ نه از نظر خود بیماری، بلکه به دلیل نحوه پاسخگویی دولت‌ها به آن [۱۶]. درحقیقت بسیج منابع به‌منظور مقابله و مبارزه با این بیماری، دولت‌ها را به‌عنوان دارندگان انحصاری وسایل مشروع اجبارآمیز، در صدر نهادهای قدرتمند در عرصه روابط بین‌الملل قرار داد. بر همین اساس از آنجا که دولت‌ها در سرتاسر جهان مجبور شده‌اند تا اهرم‌های قدرت را به منظور رهبری جنگ با کروناویروس به دست گیرند [۱۷]، برخی از اندیشمندان خواستار تمدید و تعمیق حاکمیت دولت بر زندگی شهروندان هستند؛ چرا که معتقدند «احتمالاً این مسأله نتایج مثبت بیشتری را با خود

به همراه می‌آورد» [۱۹، ۱۸]. این مسأله سبب شده است تا برخی از اندیشمندان از خطر ظهور مجدد دولت‌های قدرتمند سخن بگویند؛ امری که چندان دور از انتظار نیست.

با این همه، به نظر می‌رسد گسترش ابزارهای ارتباط جمعی و امواج گوناگون جهانی شدن، وضعیت زیست انسان‌ها را در نقطه‌ای «برگشت‌ناپذیر» قرار داده است که امکان بازگشت به مرزهای سنتی وجود ندارد. برخلاف آن چه در ابتدا به نظر می‌آید، کرونا نه تنها مانع جهانی شدن نیست، بلکه به تشدید این فرآیند کمک کرده است. دربارهٔ اینکه «آیا کرونا جهانی شدن را متوقف کرده است» بحث و بررسی‌های فراوانی صورت گرفته است. برخی از تحلیل‌گران در روزهای ابتدایی شیوع کرونا، سخن از «مرگ جهانی شدن» به میان آوردند [۲۰]. اما نگاهی به تاریخ و وقوع حوادثی هم‌چون جنگ‌های جهانی و همه‌گیری‌های قبلی از یک‌سو، و تأثیر مثبت همکاری‌های بین‌المللی در مهار بحران‌های عمیق و جدیدی هم‌چون کووید ۱۹ از سوی دیگر، ناقض چنین تحلیل‌هایی است. اگرچه در ابتدای شیوع گسترده کرونا ویروس، شاهد نوعی انزوای ملی و هم‌چنین دستبرد به محموله‌های پزشکی از سوی دولت‌ها بودیم، اما با گذشت اندک‌زمانی از تب و تاب اولیه، شاهد آن هستیم که اینک افکار عمومی بیشتر از سیاستمداران به «پزشکان» و «پرستاران» به‌عنوان بازیگران جدید و مهم زندگی جمعی توجه نشان می‌دهند؛ به عبارت ساده‌تر، کرونا و گسترش سرسام‌آور آن سبب شده است تا پزشکان و پرستاران به‌عنوان کارگزاران غیرسیاسی جدید به رسمیت شناخته شده و دارای نقش‌ها و مسئولیت‌های ویژه‌ای در ادارهٔ امور اجتماعی شوند.

این کارگزاران غیرسیاسی که وسایل سنتی قدرت را در اختیار ندارند، با اتکا به منابع در دسترس خود، می‌توانند به اوج‌گیری ابزارهای پارادایلماتیک منجر شوند. هم‌اینک افکار عمومی جهانی چشم‌انتظار ساخت و توزیع واکسن

مقابله با کرونا است. دیگر بر کسی پوشیده نیست که سازنده و دارندهٔ واکسن جدید دارای قدرتی خواهد شد که به‌هیچ وجه با ابزارهای سنتی قابل دستیابی نیست. افزون بر این، به نظر می‌رسد که استفاده از ابزارهای بیولوژیک و به‌خدمت‌گرفتن علوم پزشکی در راستای مقاصد سیاسی می‌تواند مسیر جدیدی در پارادایلماسی باشد که نه لزوماً به منظور صلح، بلکه به دراختیارگیری ابزارهای جدید جنگی منجر می‌شود.

### ۳-۲ کرونا و ایجاد هویت‌های جدید

با ایجاد کارگزاری‌های جدید غیرسیاسی اطراف بازیگران جدید از جمله پزشکان، پرستاران و به‌طور کلی جامعهٔ پزشکی، هویت‌های جدیدی آفریده می‌شود که دیگر برای معرفی و رسمیت خود صرفاً به دولت‌های ملی متکی نیستند. این هویت‌های جدید با تعریف مؤلفه‌ها و منافع ویژهٔ خود، می‌تواند نه تنها در سطح محلی، بلکه در عرصه بین‌المللی به ایفای نقش‌های گوناگون بپردازند. اما این ایفای نقش، تنها محدود و منحصر به یک قشر و گروه خاص نیست و می‌تواند به راحتی به گروه‌های دیگر سرایت کند. بر مبنای این هویت‌های جدید و منافعی که برای خود تعریف می‌کنند، به نظر می‌رسد ابزارهای رسمی و دولتی دیپلماسی را باید آخرین مرحله از اجرا و تحقق اهداف یک دولت تعریف کرد؛ چرا که معمولاً منافع گروهی هویت‌های جدید نمی‌تواند در تضاد و یا تعارض با اهداف کلان ملی قرار گیرد. در غیر این صورت، از یک سو اقدام و عمل آن‌ها با دشواری‌ها و محدودیت‌های زیادی روبرو می‌شود و از سوی دیگر نمی‌توانند تنها با ابزارهای محدود در عرصه گسترده بین‌الملل، بدون حمایت و پشتیبانی یک دولت ملی به اهداف خود جامعهٔ عمل ببوشانند. بر همین اساس دربارهٔ ابزارهای پارادایلماتیک نباید اغراق کرد و آن‌ها را به عنوان یک رویکرد کم‌هزینه، صلح‌جویانه و در خدمت اهداف و آرمان‌های ملی از سوی گروه‌های کوچک به رسمیت شناخت. این مسأله می‌تواند دولت‌های ملی را با

مزایای زیادی در عرصه دیپلماسی مواجه کند. از یک طرف هزینه‌های کمتری برای پیشبرد منافع خود پرداخت خواهند کرد، در حالی که هردو طرف، هم گروه‌های محلی و هم دولت پذیرفته‌اند که بخشی از اقدامات آن‌ها و مزایای موفقیت آن‌ها به دیگری نیز تعلق خواهد گرفت. از سوی دیگر، می‌تواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم منافع اقتصادی را به ارمغان آورد که زمینه را برای حضور نیروهای رسمی، دیپلماتیک و حتی ابزارهای فرهنگی و رسانه‌ای فراهم آورد.

### ۳-۳ کرونا و اهمیت یافتن صنعت غذای حلال

انتشار سریع ویروس کرونا که البته براساس باور عمومی و نه تحقیق‌های به رسمیت شناخته شده، از راه خوردن «غذا» از شهری در ووهان چین آغاز شد، توجه رسانه‌ها و افکار عمومی را به سوی کیفیت غذا جلب نمود. پس از آن ویدئوهایی درباره خوردنی‌های عجیب و غریب در اقصی نقاط جهان منتشر شد که افکار عمومی جهانی را بیش از پیش با مسأله غذا آشنا ساخت. شاید تاکنون برای هرکدام از ما قبل از این شیوع گسترده، تصور اینکه چه چیزهایی در کشورهای مختلف ممکن است به عنوان غذا و خوردنی استفاده شوند، چندان اهمیتی نداشت، اما اینک با صدمات جانی فراوان این ویروس، اهمیت سالم بودن غذا بیش از پیش بر همگان مسلم شده است. بنابر برخی از گزارش‌ها، صنعت غذای حلال از کم‌آسیب‌ترین صنایع غذایی در جهان به شمار می‌رود؛ چرا که پس از بحران کرونا مردم جهان به کیفیت و تمیزی غذای خود اهمیت بیشتری می‌دهند [۲۱]. در حقیقت کرونا به طور غیرمستقیم بر مصرف غذای حلال اثر گذاشته است و اگرچه به علت جدید بودن موضوع، هنوز تحقیق جامعی در این باره صورت نگرفته است، ولی به نظر می‌رسد صنعت غذای حلال با اقبال بیشتری (در حدود ۶ تا ۸ درصد)، در دوران پسا کرونا مواجه باشد [۲۱].

البته این مسأله برای پیروان دین مبین اسلام، که از همان ابتدا خوردنی‌ها را بنابر مصلحت انسان‌ها به حلال و حرام تقسیم نموده، امر جدیدی نیست، اما توجه جهانی به این مسأله را می‌توان یک نقطه عطف و یک بزنگاه ویژه به شمار آورد. چنان که می‌توان انعکاس آیه شریفه ۱۶۸ سوره بقره را که می‌فرماید: «ای مردم! از آن چه در زمین است، حلال و پاکیزه را بخورید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید، چه اینکه او دشمن آشکار شماست» [۲۲] در سراسر رسانه‌های جهان دریافت کرد. درباره تأثیر و اهمیت غذا بر سلامت جسم و روح انسان‌ها نوشته‌ها بسیار است [۲۳]. به همین دلیل در این نوشتار تنها بر تأثیر کرونا بر صنعت غذای حلال و از طریق چرخشی که در دیپلماسی به معنای سنتی ایجاد شده، توجه شده است.

واقعیت این است که استاندارد حلال، قبل از شیوع کرونا به دلایل زیادی از جمله در نظر گرفتن شرایط و ادله فقهی، اخلاقی و بهداشتی مورد توجه مسلمانان و حتی غیرمسلمانان قرار گرفته بود. درحقیقت امروزه مفهوم حلال، فراتر از ارزش دینی آن مورد توجه است و نگرانی روبه‌رشد مصرف‌کنندگان مواد غذایی در مورد سلامت، به عنوان یک امتیاز برای تولیدکنندگان مواد غذایی حلال به شمار می‌آید؛ به این دلیل که اساس دغدغه سلامت در مصرف مواد غذایی با مفهوم «حلال» گره خورده است [۲۴].

ایران، به عنوان یکی از مهم‌ترین کشورهای اسلامی از نقطه نظر سیاسی، جغرافیایی، اقتصادی و نظامی با نشان استاندارد غذای حلال، به تولید و صادرات غذای حلال مبادرت می‌ورزد. در نظر گرفتن موارد فقهی و شرعی مذهب جعفری و تشیع در ذیل این استاندارد، به معنای آن است که ملاحظات مراجع عظام تقلید، در کنار نظرات صاحب‌نظران دانشگاهی و فنی در نظر گرفته شده است. هم‌چنین موارد اخلاقی هم‌چون ذکر نام خدا، سیراب بودن، عدم کشتار در شب، عدم ذبح حیوان باردار و موارد دیگر



[۲۵] سبب شده است که غیرمسلمانان نیز با در نظر گرفتن ملاحظات اخلاقی، به برند حلال توجهی ویژه نشان دهند. این در حالی است که سهم ایران از صنعت غذای حلال، بسیار اندک و در حد یک درصد است [۲۶].

اگرچه محدودیت‌ها، سختی‌ها، رنج‌ها و مرگ‌ومیرهای ناشی از کرونا برای روزها جهان را در اضطراب و سوگ نشانده، با این‌همه، مانند همه پدیده‌ها در دنیای مادی می‌توان در این دنیای تاریکِ کرونایی، نقاط مثبتی یافت که ارتقای آگاهی عمومی و بازگشت به بنیان‌های اخلاقی و مذهبی، تنها بخشی از آن است. آن‌چه برای این نوشتار مهم است این که به این نکته توجه شود که کرونا یک فرصت ویژه برای صنعت غذای حلال به‌شمار می‌رود. صنعتی که اینک بدون حمایت و پشتیبانی گسترده دولت و با استفاده از ابزارهای پارادایلماسی می‌تواند به توسعه محصولات خود و توزیع آن در سراسر جهان بپردازد.

از جمله مواردی که در وضعیت کرونا از طریق تغییر در رویکردهای پارادایلماتیک می‌تواند به توسعه و رونق صنعت غذای حلال منجر شود، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد؛

### ۱-۳-۳ صنعت غذای حلال؛ بازیگر غیرسیاسی دوران پسا کرونا

براساس آنچه گفته شد، دوران پسا کرونا محل ظهور بازیگران جدیدی است که لزوماً سیاسی نیستند و از ابزارهای سنتی دیپلماسی بهره نمی‌گیرند. صنایع غذایی با توجه به ارتباط مستقیمی که با سلامت جسم و روان افراد جامعه می‌یابد، می‌تواند یکی از مهم‌ترین بازیگران جدید عرصه پارادایلماسی به‌شمار آید. توجه به این نکته ضروری است که در کشورهای مسلمان دیگر هم‌چون مالزی، اندونزی و ترکیه استفاده از برند غذای حلال که مبتنی بر فقه رایج و رسمی در این کشورها است، از سال‌ها پیش آغاز شده و با توجه به ارتباط آسان و صرفاً اقتصادی این کشورها با کشورهای غیرمسلمان، سهم عمده بازار غذای

حلال به آنها اختصاص یافته است [۲۷]. اما با توجه به رویکردهای جدید پارادایلماسی و با استفاده از فضای گسترده پسا کرونا، زمان آن رسیده است که نهادهای خصوصی و غیردولتی دست‌اندرکار صنعت غذای حلال در کشور، به ارائه محصولات خود پرداخته و بازار مناسبی برای محصولات خود بیابند. بنابر برخی از گزارش‌ها، در دوران پسا کرونا بازار مواد غذایی حلال گسترده‌تر شده است. برخی از این بررسی‌ها، رشد بازار صنعت غذای حلال را حدود هشت درصد پیش‌بینی کرده‌اند [۲۸]. هم‌اینک نهادهای دولتی و خصوصی در کشورهایی هم‌چون مالزی، اندونزی و برزیل به اندازه‌گیری بازار و چشم‌اندازهای آینده صنعت غذای حلال در دوران پسا کرونا مشغول هستند. پر واضح است که این مسأله به پشتیبانی و حمایت دولتی نیازمند است، اما با توجه به ابزارهای نوین، استفاده از خلاقیت و بهره‌گیری از خلاء ایجاد شده ضروری است.

### ۲-۳-۳ غذای حلال و پیشگیری از ابتلاء

روشن است که شیوع گسترده ویروس کرونا نه تنها بر صنایع غذایی در سراسر جهان، بلکه بر امنیت غذایی نیز اثرات منفی زیادی گذاشته است. ایجاد قرنطینه در برخی از کشورها، بیکاری کارگران، بسته‌شدن مرزهای سرزمینی و تعطیلی کارخانه‌ها، تنها موارد معدودی از دشواریهایی است که کرونا پیش روی صنعت غذایی جهان قرار داده است. اما با فروکش کردن التهاب اولیه انتشار کرونا و بازگشایی تدریجی اماکن اقتصادی و تولیدی، دوران جدیدی آغاز شده است که در آن سلامت مواد غذایی بیش از گذشته مهم و حتی حیاتی تلقی می‌شود. در چنین مرحله‌ای، صنعت غذای حلال با تأکید بر سلامت بیش از پیش تولیدات خود می‌تواند سهم بیشتری در اقتصاد جهان برعهده گیرد. در حقیقت از آن‌جا که در دوران پسا کرونا از سوی متخصصان بر غذای پاکیزه تأکیدهای فزون‌تری ارائه شده است، می‌توان با تأکید بر آموزه‌های اسلامی از مرگ و میر کمتر در کشورهایی با جمعیت غالباً مسلمان در مقابل

در ابزارهای دیپلماتیک به میان آورد. اینک که بیشتر اندیشمندان در سراسر جهان به دنبال ایجاد نظم تازه‌ای برای جهان پسا کرونا هستند، فرصت مناسبی فراهم شده است تا با استفاده از ابزارهای پارادایم‌مندی به ترویج و گسترش فرهنگ غذای حلال مبادرت ورزید؛ به عنوان مثال، تلاش‌ها برای برجسته‌سازی برند غذای حلال ایرانی می‌تواند حضور شرکت‌ها و محصولات غذایی حلال را در بازار روبه‌رشد غذای حلال مسجل سازد. اکنون در سایه ابتلاء به کرونا ویروس، مرگ‌اندیشی و به تبع آن سلامت‌اندیشی شهروندان، زمینه را برای ترویج غذاهای سالم با عنوان حلال به منظور پیشگیری و حتی درمان، به خوبی مهیا نموده است. دست‌اندرکاران صنعت غذای حلال در چنین بستری با حمایت ضمنی دولت، با استفاده از ظرفیت‌ها و امکانات محلی و منطقه‌ای، می‌توانند مروج شیوه زیستی باشند که در آن ارزش‌های اخلاقی و مذهبی اولویت دارد.

#### تعارض منافع

نتایج حاصل از این مطالعه با منافع دیگر نویسندگان در تعارض نمی‌باشد.

سایر کشورها، به عنوان شاهد مثالی در مزایای استفاده از غذای حلال بهره گرفت. در حقیقت تأکید بر این نکته که با استفاده از غذای حلال می‌توان زمینه ایجاد ویروس‌های جدید و ابتلاء به آن‌ها را کمتر کرد، مهم است [۲۹]. چنین رویکرد پیشگیرانه‌ای به وسیله نهادهای دست‌اندرکاران صنعت غذای حلال در کشور، باید با استفاده از رسانه‌ها و فراهم کردن آمارها و داده‌های پزشکی و غذایی تبلیغ شود. تبلیغ غیر رسمی و استفاده از فضای گسترده فضای مجازی یکی از ابزارهای دیپلماتی نوین است که می‌تواند با هزینه کمتری بازارهای بیشتری را به روی مصرف‌کنندگان و توزیع‌کنندگان بگشاید.

#### ۴- نتیجه‌گیری

غذا و تأثیر آن بر روح و جسم انسان‌ها مسأله‌ای است که قرن‌ها پیش از سوی دین اسلام مورد تأکید واقع شده است. حال که جهان و ارتباطات انسانی آن، چنان در هم تنیده شده است که یک خوردنی ساده، که به نظر امری فردی و کوچک می‌آید، می‌تواند جهانی را با آشوب مواجه کند، می‌توان منادی بازگشت به ارزش‌های غذایی اسلامی بود. گسترش ویروس کرونا در اقصی نقاط جهان، شیوه زندگی مردم و همچنین ابزارها و مکانیسم‌های سیاسی را با تحولات زیادی روبرو کرد. در عرصه بین‌المللی روند کنارگذاشتن ابزارهای سنتی دیپلماتی شتاب بیشتری گرفته است، تا جایی که می‌توان سخن از تغییرهای ژرف

Research article

Journal of Halal Research/ 2020; 3(1):23-35

## Changing paradigmatic approaches in the post-Corona period With an emphasis on the halal food industry

Mohadese Jazaei<sup>1\*</sup>, Elham Sabbagh Kalateh Hosseini<sup>2,3</sup>

- 1- PhD, political science (political thoughts), Ferdowsi University, Mashhad, Iran.
- 2- ABD in International Relations; BSc, Midwifery, Pregnant Health, Azad University Isfahan Khorasgan, Isfahan, Iran
- 3- Expert, Mashhad university of medical Sciences, Mashhad, Iran

Received: 1 July 2020

Acceptance: 26 August 2020

### ABSTRACT

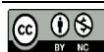
The spread of the Covid-19 virus has had such a profound effect on politics and international relations that there has been talk of dividing history into pre and post-Corona periods. With the spread of coronavirus, the cleanliness and quality of food is now important more than ever, and thus, serious attention to the halal food industry is logical and acceptable. Although the consequences of this virus are becoming more apparent on various aspects of human social life and many institutions are trying to find a way to reduce the pain and suffering caused by the coronavirus, emphasizing halal food can be considered as a preventive measure. Given the importance of micro-identities in the process of increasing globalization, the concept of paradiplomacy can be used to refer to these subnational political entities. Accordingly, this study is based on the question of how paradiplomatic approaches evolved as a result of the spread of coronavirus and tries to emphasize the position of the halal food industry as a solution to prevent and also a good opportunity to promote and spread halal food culture. The theoretical approach of this paper is a constructivism according to which, not only structures and agents but also small groups can influence the existing relations in the international arena. In this approach, states are as social beings whose behavior is derived from rules, norms, institutions and identities. The question of the evolution of paradiplomatic approaches in the post-Corona era and the position of the halal food industry, based on the constructivist approach, is one of the focal points of this paper.

**Keywords:** Covid-19; Paradiplomacy; Constructive; Halal Industry; Postcorona

\*Correspondance to: Mohadese Jazaei, [mo\\_ja663@mail.um.ac.ir](mailto:mo_ja663@mail.um.ac.ir), Tel.: 09150013035

[view Journal](#)

<https://doi.org/10.30502/H.2020.237580.1024>



This paper is open access under [Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International](#) license

## References

- [1]. walt, Stephan. (2020). foreign policy, <https://foreignpolicy.com/2020/03/23/>.
- [2]. Hadian N. "Structuralism: From International Relations to Foreign Policy". *Foreign Policy Quarterly*, Question1382; 17 (4): 901-921. [In Persian]
- [3]. Smith W, and others. *World Politics Issues*, translated by Seyed Kamal Sarvarian: Institute for Strategic Studies, Tehran.1381. [In Persian]
- [4]. Seifzadeh SH. (1384). Various theories and theories in international relations have become individual and collective. Office of Political Studies and International Relations, Ministry of Foreign Affairs. Tehran. 1384. [In Persian]
- [5]. Went, Alexander (1386). *Social Theory of International Politics*, translated by Homeira Moshirzadeh, Tehran, Office of Political and International Studies. [In Persian]
- [6]. Moshirzadeh H. Transformation in theories of international relations. Tehran, Samat. 1385.
- [7]. Moshirzadeh H. Theoretical foundations of foreign policy, Tehran, Samat. 1396. [In Persian]
- [8]. Kolaei E, Shekarchi H, Ahmadina M. "US Cyber Diplomacy (Case Study of the Republic of Azerbaijan)". *Central Asia and Caucasus Quarterly*, 2013; 82: 81-102. [In Persian]
- [9]. Mobini Keshe Z, Tabatabai YS. "Media Diplomacy in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran. A Case Study of the Eleventh Government", *Quarterly Journal of Political Research*, 1393; 9: 102-139. [In Persian]
- [10]. Shafaei M (1386). "Economic diplomacy, a new tool of foreign policy in the age of globalization", *Journal of Law and Political Science*, 1386; 6: 39-60. [In Persian]
- [11]. Hassankhani M. "Cultural diplomacy and its place in the foreign policy of countries", *Knowledge Quarterly*, 1384; 1(2): 135-148. [In Persian]
- [12]. Jamali Nejad M. *Urban Diplomacy*. Arma Publishing, Isfahan, 1392. [In Persian]
- [13]. Momeni MR, Rahimi A, Gheibizadeh N. "Paradiplomacy and its Applications in Border Cities: A Case Study of West Azerbaijan". *Quarterly Journal of International Relations Research*, 1395; 1( 21): 53-53. [In Persian]
- [14]. Schult JE. *Globalization of Politics: International Relations in the New Age*, Compiled by: Steve Smith and John Bliss, Tehran, Abrar Contemporary Cultural Institute, Tehran. 1383. [In Persian]
- [15]. Dehshiri MR. "Paradiplomacy in the Global Age: Becoming a Case Study of Urban Diplomacy", *Quarterly Journal of Strategic Studies in Public Policy*, 1395; 4 (13): 1-14. [In Persian]
- [16]. Furedi F. "A Disaster without Precedent". 2020; Spiked-Online, 20 March. <https://www.spiked-online.com/2020/03/20/a-disaster-without-precedent/>.
- [17]. Enloe C. "COVID-19: "Waging War" Against a Virus is NOT What We Need to Be Doing". *Women's International League for Peace and Freedom (WILPF)*, 23March. [https://www.wilpf.org/covid-19-waging-war-against-a-virus-is-not-what-we-need-to-be-doing/?fbclid=IwAR1uSe7SwGV6MfNriXWNwz4mXH7cf-Eenz9\\_hKVafLLuP7jIaBr2rfvCJI](https://www.wilpf.org/covid-19-waging-war-against-a-virus-is-not-what-we-need-to-be-doing/?fbclid=IwAR1uSe7SwGV6MfNriXWNwz4mXH7cf-Eenz9_hKVafLLuP7jIaBr2rfvCJI). 2020.
- [18]. Harari YN. "The World after Coronavirus". *Financial Times*, 20March. [https://www.ft.com/content/19d90308-6858-11ea-a3c9-1fe6fedcca75?fbclid=IwAR3J79luuIcOq2bnthQcQ8mWlJc1sj8y0GEeWBr3U\\_oy-dXQbH60vfgVd8](https://www.ft.com/content/19d90308-6858-11ea-a3c9-1fe6fedcca75?fbclid=IwAR3J79luuIcOq2bnthQcQ8mWlJc1sj8y0GEeWBr3U_oy-dXQbH60vfgVd8). 2020.
- [19]. Sotiris P. "Against Agamben: Is a Democratic Biopolitics Possible"? *Critical Legal Thinking*, 14 March. <https://criticallegalthinking.com/2020/03>

[/14/against-agamben-is-a-democratic-biopolitics-possible/. 2020.](#)

[20]. Probst M. "Coronavirus won't kill globalization", available in: <https://time.com/5838751/globalization-coronavirus/>.2020.

[21]. Prasyda Y. Halal food rising in popularity amid COVID-19 pandemic, reports indicate, available in: <https://www.thejakartapost.com/news/2020/05/08/halal-food-rising-in-popularity-amid-covid-19-pandemic-reports-indicate.html>.2020.

[22]. The Holy Quran

[23]. Parastandeh R. "Effects of Halal and Haram Products on Physical and Mental Health", Proceedings of the Halal Food Conference, International Conference on Halal Food. 1397. [In Persian]

[24]. Rezaei G. (1398). "Factors Affecting the Acceptance of Halal Food among Non-Muslims", Bi-Quarterly Journal of Halal Research, Second Year, Second Issue, 1398; 5-21. [In Persian]

[25]. Mohammadi, M, Farokhi R. (1391). "The standard of halal food and its jurisprudential and ethical considerations", Iranian Journal of Nutrition Sciences and Food Industry, Year 7, 1391; 5: 571-587. [In Persian]

[26]. sanatghaza.com <http://sanatghaza.com>

[27]. Yunus Muhammad, Baba the global halal industry: an overview, Africa Islamic Economic foundation, Tamale, Ghana. 2017.

[28]. Technavio research, (2020). "Pre & Post COVID-19 market Estimates-Halal food market", available in: <https://www.businesswire.com/news/home/20200424005425/en/Pre-Post-COVID-19-Market-Estimates-Halal-Food-Market>.

[29]. Amalia Kung-Jeng W, Arie Indra G. (2020). "Covid-19: Can Halal Food Lessen the Risks of the Next Similar Outbreak?" *International journal of applied business research*, V. 2, N. 2, PP. 86-95.